



تعهدنامه‌ی اصالت اثر و رعایت حقوق دانشگاه

تمامی حقوق مادّی و معنوی مترتب بر نتایج، ابتکارات، اختراعات و نوآوری‌های ناشی از انجام این پژوهش، متعلق به **دانشگاه محقق اردبیلی** می‌باشد. نقل مطلب از این اثر، با رعایت مقرّرات مربوطه و با ذکر نام دانشگاه محقق اردبیلی، نام استاد راهنما و دانشجو بلامانع است.

اینجانب فاطمه سه برادری لاهرود دانش‌آموخته‌ی مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی
گرایش محض

دانشگاه محقق اردبیلی به شماره‌ی دانشجویی ۹۰۱۱۱۶۳۱۰۷ که در تاریخ
۹۲/۶/۲۰

از پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود تحت عنوان « بررسی اشارات اقتصادی و مسائل معیشتی در گلستان و کلیله و دمنه »
دفاع نموده‌ام، متعهد می‌شوم که:

(۱) این پایان‌نامه را قبلاً برای دریافت هیچ‌گونه مدرک تحصیلی یا به عنوان هرگونه فعالیت پژوهشی در سایر
دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی داخل و خارج از کشور ارائه ننموده‌ام.

(۲) مسئولیت صحّت و سقم تمامی مندرجات پایان‌نامه‌ی تحصیلی خود را بر عهده می‌گیرم.

(۳) این پایان‌نامه، حاصل پژوهش انجام شده توسط اینجانب می‌باشد.

(۴) در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران استفاده نموده‌ام، مطابق ضوابط و مقرّرات مربوطه و با
رعایت اصل امانتداری علمی، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در متن و فهرست منابع و مأخذ ذکر
نموده‌ام.

(۵) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده یا هرگونه بهره‌برداری اعم از نشر کتاب، ثبت اختراع و ... از این
پایان‌نامه را داشته باشم، از حوزه‌ی معاونت پژوهشی و فنّآوری دانشگاه محقق اردبیلی، مجوزهای لازم را اخذ نمایم.

(۶) در صورت ارائه‌ی مقاله‌ی مستخرج از این پایان‌نامه در همایش‌ها، کنفرانس‌ها، سمینارها، گردهمایی‌ها و انواع
مجلات، نام دانشگاه محقق اردبیلی را در کنار نام نویسندگان (دانشجو و اساتید راهنما و مشاور) ذکر نمایم.

(۷) چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن (منجمله ابطال مدرک تحصیلی،
طرح شکایت توسط دانشگاه و ...) را می‌پذیرم و دانشگاه محقق اردبیلی را مجاز می‌دانم با اینجانب مطابق ضوابط و
مقرّرات مربوطه رفتار نماید.

نام و نام خانوادگی دانشجو:

امضا

تاریخ



دانشکده‌ی ادبیات و زبان‌های خارجی
گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناسی ارشد
در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

«بررسی اشارات اقتصادی و مسائل معیشتی در گلستان و کلیله و دمنه»

استاد (اساتید) راهنما:
دکتر خدابخش اسداللهی

استاد (اساتید) مشاور:
دکتر عسگر صلاحی

پژوهشگر:
فاطمه سه‌برادری لاهرود

تابستان ۱۳۹۲

تقدیم به:

همسر مهربانم و پسر عزیزم

سپاسگزاری:

اکنون که این پایان نامه با لطف و عنایت الهی و پس از تحمل سختی‌ها بی‌شمار به اتمام رسید، اگر موفقیتی در تدوین آن حاصل شده باشد، مرهون راهنمایی‌های بی‌دریغ اساتید بزرگوار است که در طول دوران تحصیل همواره تکیه‌گاه بنده بودند؛ بنابراین جا دارد از زحمات فراوان استاد محترم راهنما، جناب آقای دکتر خدابخش اسداللهی و همچنین از استاد مشاورم جناب آقای دکتر عسگر صلاحی بی‌نهایت سپاسگزاری نمایم.

از جناب دکتر احدپیشگر هم به خاطر کتاب‌هایی که در اختیارم گذاشتند تشکر و قدر دانی می‌کنم.

در پایان جا دارد از خواهر عزیزم زکویه که تایپ این پایان نامه را برعهده داشت، قدردانی نمایم.

عنوان پایان‌نامه: بررسی اشارات اقتصادی و مسائل معیشتی در گلستان و کلیله و دمنه

استاد (اساتید) راهنما: خدابخش اسداللهی

استاد (اساتید) مشاور: عسگر صلاحی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

دانشگاه: محقق اردبیلی

گرایش: محض

تعداد صفحات: ۹۸

تاریخ دفاع: ۹۲/۶/۲۰

دانشکده: ادبیات و زبان‌های خارجی

چکیده:

موضوع اصلی این تحقیق، اوضاع اقتصادی و معیشتی در گلستان و کلیله و دمنه است که در حدّ وسیعی در این منابع بازتاب دارد. برای این امر، پس از مباحث مقدماتی شامل کلیات و مبانی نظری، به بررسی مسائل اقتصادی در گلستان و کلیله و دمنه به‌عنوان مباحث اصلی پرداخته‌ایم. گلستان را در سه بخش با مؤلفه‌های مسائل فردی، اجتماعی- مدیریتی و مسائل دینی- اخلاقی بررسی کرده و در بخش اول گفته‌ایم که آدمی برای تأمین شرافتمندانه‌ی معاش به ثروت و دارایی نیازمند است؛ اما نباید به گونه‌ای به مادیات مشغول باشد که از یاد آفریننده و هموعان خود غافل شود. در قسمت دوم نیز بیان کرده‌ایم که جامعه بدون مدیریت صحیح، به اقتصاد سالم و عدالت اقتصادی نمی‌رسد. در قسمت سوم نیز ذکر کرده‌ایم که سعدی معیشت فرد و جامعه را علاوه بر توانایی علمی و اقتصادی، به عوامل بسیار قوی دیگری نظیر حکمت الهی، قناعت و صبر منوط می‌داند. کلیله و دمنه را نیز در دو بخش با عناوین «مفاهیم اقتصادی» و «اخلاق اقتصادی» نگرینسته و در بخش اول گفته‌ایم که مؤلف کلیله و دمنه تا حدودی بر نقش تدابیر عقلی در پیش بردن اهداف اقتصادی تأکید می‌کند. در بخش دوم هم بیان کرده‌ایم که اخلاق اسلامی بر ابعاد مختلف اقتصاد جامعه سایه افکنده است و به رشد و شکوفایی آن یاری می‌رساند و بسیاری از مشکلات اقتصادی مردم را حل می‌نماید.

کلید واژه‌ها: معیشت، عدالت اقتصادی، اخلاق اقتصادی، تقدیر، کلیله و دمنه، گلستان.

فهرست مطالب :

عنوان صفحه

فصل اول: کلیات

- ۱-۱- مقدمه ۲
- ۲-۱- تعریف مسئله و فرضیهها ۳
- ۱-۲-۱- عدالت اقتصادی ۴
- ۲-۲-۱- تولید ۵
- ۳-۲-۱- مشیت الهی در اقتصاد ۶
- ۴-۲-۱- رمز ماندگاری ثروت و دارایی ۶
- ۵-۲-۱- مبانی اعتقادی اسلامی در اقتصاد ۶
- ۳-۵-۲-۱- اسراف و تبذیر ۷
- ۳-۱- سوالات و فرضیهها ۸
- ۴-۱- فرضیات پژوهش ۸
- ۵-۱- اهداف پژوهش ۹
- ۶-۱- ضرورت و اهمیت پژوهش ۹
- ۷-۱- پیشینهی پژوهش ۹
- ۸-۱- روش اجرای طرح ۱۰

فصل دوم: مبانی نظری

- ۱-۲- تعریف اقتصاد ۱۲
- ۲-۲- نیاز به عنوان مبنای رفتار اقتصادی ۱۳
- ۳-۲- اندیشه‌های معیشتی افلاطون (متوفی: ۳۴۷ ق. م) ۱۴
- ۴-۲- اندیشه‌های معیشتی ارسطو (متوفی: ۳۲۲ ق. م) ۱۴
- ۵-۲- اندیشه‌های معیشتی ابن خلدون (متوفی: ۸۰۸ ه. ق) ۱۵
- ۶-۲- اشارات اقتصادی و معیشتی غزالی (متوفی: ۵۰۵ ه. ق) ۱۸

- ۱۸ ۱-۶-۲ - منزلت و منافع فعالیت‌های اقتصادی
- ۱۹ ۲-۶-۲ - وظایف پول
- ۱۹ ۳-۶-۲ - بازار و بازاریابی
- ۱۹ ۴-۶-۲ - شروط فعالیت‌های اقتصادی
- ۲۱ ۵-۶-۲ - منافع عمومی
- ۲۱ ۶-۶-۲ - سطوح رفاه از نگاه غزالی
- ۲۱ ۷-۶-۲ - نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی
- ۲۲ ۸-۶-۲ - احتکار
- ۲۲ ۷-۲ - پاره‌های از اشارات اقتصادی در قرآن
- ۲۴ ۸-۲ - پاره‌های از اندیشه‌های معیشتی امام علی (ع) در نهج البلاغه
- ۲۶ ۹-۲ - اندیشه‌های معیشتی عنصرالمعالی
- ۲۷ ۱۰-۲ - اندیشه‌های معیشتی خواجه نصیر طوسی (متوفی: ۶۷۲ ذی الحجه)
- ۲۸ ۱۱-۲ - اندیشه‌های معیشتی مطهری (متوفی: ۱۳۵۸ ه. ش)
- ۲۹ ۱-۱۱-۲ - مواردی که پیوند مستقیم با اقتصاد دارند:
- ۲۹ ۱-۱-۱۱-۲ - مالکیت
- ۲۹ ۲-۱-۱۱-۲ - ارث
- ۳۰ ۳-۱-۱۱-۲ - مبادله
- ۳۰ ۴-۱-۱۱-۲ - پول
- ۳۰ ۵-۱-۱۱-۲ - وظایف پول
- ۳۱ ۶-۱-۱۱-۲ - ارزش
- ۳۱ ۷-۱-۱۱-۲ - ثروت یا مال
- ۳۱ ۸-۱-۱۱-۲ - تولید
- ۳۲ ۹-۱-۱۱-۲ - کار
- ۳۲ ۲-۱۱-۲ - مواردی که پیوند غیرمستقیم (از لحاظ اخلاقی) با اقتصاد دارند:
- ۳۲ ۱-۲-۱۱-۲ - ربا از دیدگاه استاد مطهری (ره)

۳۳ عدالت - ۲-۲-۱۱-۲
۳۴ زهد - ۳-۲-۱۱-۲
۳۴ ایثار - ۴-۲-۱۱-۲
۳۴ سبکباری - ۵-۲-۱۱-۲
۳۴ انفاق - ۶-۲-۱۱-۲
۳۵ اسراف و تبذیر - ۷-۲-۱۱-۲
۳۵ سرمایه‌داری و سوسیالیسم از دیدگاه اسلام - ۱۲-۲

فصل سوم: بحث و بررسی

۳۸ ۱-۳ شرح حال سعدی
۴۳ ۲-۳ اوضاع اجتماعی و اقتصادی عصر مغول
۵۴ ۳-۳ مسائل اقتصادی و معیشتی از دیدگاه سعدی
۵۴ ۱-۳-۳ مسائل فردی
۵۴ ۱-۱-۳-۳ دعوت به کسب و کار
۵۴ ۲-۱-۳-۳ مال و فواید دنیوی و اخروی آن
۵۵ ۳-۱-۳-۳ پاسداری از مال
۵۵ ۴-۱-۳-۳ صرف مال برای حفظ آبرو
۵۶ ۶-۱-۳-۳ دخل و خرج
۵۶ ۷-۱-۳-۳ راه‌های افزایش مال و ثروت
۵۷ ۸-۱-۳-۳ کفافِ اندک، ضامنِ عزّت
۵۷ ۹-۱-۳-۳ فقر به کفر می‌انجامد
۵۸ ۱۰-۱-۳-۳ نیاز به زر و ثروت
۵۹ ۱۱-۱-۳-۳ غرور و آزدگی، حاصلِ اشتغال به مال و ثروت
۶۰ ۱۳-۱-۳-۳ توانگر یا درویش
۶۱ ۱۴-۱-۳-۳ خزینه‌داری میراث‌خوارگان

- ۳-۳-۱-۱۵- تأثیر وام بر روابط اجتماعی ۶۲
- ۳-۳-۱-۱۶- تأثیر منفی مال از بُعد روانی ۶۲
- ۳-۳-۱-۱۷- دل به دست آوردن ۶۲
- ۳-۳-۱-۱۸- بهداشت و سلامت ۶۳
- ۳-۳-۱-۱۹- فایده ی کم خوری در سلوک و رفتار ۶۳
- ۳-۳-۲- مسائل اجتماعی و مدیریتی ۶۳
- ۳-۳-۲-۲- جلوگیری از سوء استفاده ۶۴
- ۳-۳-۲-۳- ردّ رشوه ۶۵
- ۳-۳-۲-۴- اقتصاد سالم ۶۵
- ۳-۳-۲-۵- معاشرت با صدیقان ۶۶
- ۳-۳-۲-۶- زکات ۶۶
- ۳-۳-۲-۷- صدقه ۶۶
- ۳-۳-۳- مسائل دینی و اخلاقی ۶۷
- ۳-۳-۳-۱- حکمت و معیشت ۶۷
- ۳-۳-۳-۲- نگرش دینی سعدی ۶۸
- ۳-۳-۳-۳- فناعت ۶۸
- ۳-۳-۳-۴- سخا ۶۹
- ۳-۳-۳-۵- ایثار ۷۰
- ۳-۳-۳-۶- صبر ۷۰
- ۳-۳-۳-۷- حرص و دنیا دوستی ۷۱
- ۳-۳-۳-۸- وابستگی به قدرت های مادی و تعلقات دنیوی ۷۱
- ۳-۳-۳-۹- وارستگی و روگردانی از دنیا ۷۱
- ۳-۳-۳-۱۰- مناعت طبع ۷۲
- ۳-۳-۳-۱۱- میانه روی و اعتدال ۷۲
- ۳-۳-۳-۱۲- جلوگیری از اسراف و تبذیر ۷۲

- ۷۲ ۱۳-۳-۳-۳- نکوهش بخل
- ۷۳ ۴-۳- اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران در قرن ۶
- ۷۵ ۵-۳- کلیله و دمنه بهرام شاهی
- ۷۶ ۶-۳- مسائل اقتصادی و معیشتی از دیدگاه منشی
- ۷۶ ۱-۶-۳- مفاهیم اقتصادی در کلیله و دمنه
- ۷۶ ۱-۱-۶-۳- ضرورت قوت و روزی
- ۷۶ ۲-۱-۶-۳- برقراری عدالت و امنیت
- ۷۷ ۳-۱-۶-۳- در فضیلت کسب و کار
- ۷۸ ۴-۱-۶-۳- تدبیر مستقبل
- ۷۸ ۵-۱-۶-۳- کسب حلال
- ۷۹ ۶-۱-۶-۳- کسب و حفظ مال
- ۷۹ ۷-۱-۶-۳- مال در خدمت انسان
- ۸۰ ۸-۱-۶-۳- امنیت و غرور حاصل مال و ثروت
- ۸۰ ۹-۱-۶-۳- ضایع ترین مال ها
- ۸۱ ۱۰-۱-۶-۳- بهره وری از مال
- ۸۱ ۱۱-۱-۶-۳- امن و رزق موجب انتخاب محل سکونت
- ۸۲ ۱۲-۱-۶-۳- مال و ثروت سنگ محکی برای شناختن دوست و دشمن
- ۸۲ ۱۳-۱-۶-۳- معامله ی پایپای
- ۸۲ ۱۴-۱-۶-۳- مُزد در قبال کار
- ۸۳ ۱۵-۱-۶-۳- مال و ثروت مایه ی عزّت
- ۸۳ ۱۶-۱-۶-۳- رکود
- ۸۳ ۱۷-۱-۶-۳- دیدگاه منفی به وام
- ۸۴ ۱۸-۱-۶-۳- موقعیت بد اجتماعی درویش
- ۸۴ ۱۹-۱-۶-۳- باد آورده را باد می برد
- ۸۴ ۲-۶-۳- مفاهیم اخلاقی اقتصادی در کلیله و دمنه

- ۸۵ ۱-۲-۶-۳ - مقدر بودن روزی
- ۸۵ ۲-۲-۶-۳ - رفع حرص با اعتقاد به تقدیر الهی
- ۸۵ ۳-۲-۶-۳ - نکوهش دوستی مال
- ۸۶ ۴-۲-۶-۳ - نقش توکل در افزایش مال
- ۸۶ ۵-۲-۶-۳ - تأثیر سرنوشت در کسب روزی
- ۸۶ ۶-۲-۶-۳ - قناعت، اصل توانگری
- ۸۷ ۷-۲-۶-۳ - امانت داری
- ۸۸ ۸-۲-۶-۳ - سبک باری
- ۸۸ ۹-۲-۶-۳ - نقش فضایل در تهیة ی معیشت
- ۸۹ ۱۰-۲-۶-۳ - شکر نعمت
- ۸۹ ۱۱-۲-۶-۳ - نقش مواسات و توزیع ثروت
- ۹۰ ۱۲-۲-۶-۳ - رعایت حق شریک

فصل چهارم: نتایج

- ۹۲ ۱-۴ - نتیجه گیری
- ۹۴ منابع :

فصل اول:

کلیّات

۱-۱- مقدمه

«در آموزه‌های اسلامی و دینی خصوصاً در قرآن کریم تلاش و حرکت در مسیر اقتصاد و کسب معاش و ارتقای زندگی و درآمد حلال، همگام و برابر با جهاد در راه خدا دانسته شده است. دین اسلام ناظر بر فعالیت‌های اقتصادی است و احکام و قوانین مدون و روشن آن در زمینه‌ی اقتصاد اسلامی وجود دارد. مال و ثروت به هیچ روی در اسلام خوار شمرده نشده است. در اسلام، هدف قرار دادن ثروت و پول پرستی محکوم شده است، نه خود پول و ثروت. در قرآن از ثروت به خیر یاد شده است: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا خَصَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتَ إِن تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» که معنی آن چنین است: دستور داده شده است که چون یکی از شما را مرگ در یابد، اگر دارای کالای دنیوی است وصیت کند برای پدر و مادر و خویشاوندان خود به قدر معمول، این کار سزاوار مقام پرهیزکاران است. پیامبر اکرم نیز در نکوداشت مال نیک برای شخص نکو می‌فرمایند: «نِعْمَ الْمَالُ الصَّالِحُ لِلرَّجُلِ الصَّالِحِ» (فروزانفر، ۱۳۷۰: ۱۱؛ مطهری، ۱۳۸۹: ۱۶).

«انسان برای زنده ماندن نیاز به خوراک و پوشاک دارد. طبق دیدگاه آبراهام مزلو، روان شناس انسان‌گرا، تا زمانی که نیازهای جسمی انسان ارضا نشود نمی‌تواند به سوی برآورده کردن نیازهای متعالی‌تر قدم بردارد (مزلو، ۱۳۷۲: ۷۰-۸۳). خواجه نصیر هم احتیاج به مال و دارایی را علاوه بر تدبیر عیش، در اظهار حکمت و فضیلت هم ضروری و لازم می‌شمارد و می‌گوید: «احتیاج به مال ضروری است در تدبیر عیش و نافع در اظهار حکمت و فضیلت...» (طوسی، ۱۳۶۴: ۱۲۵).

«پس احتیاجات اقتصادی بزرگ‌ترین محرک انسان به سوی کسب و کار است. «بدان که خویشتن را و عیال خود را از روی خلق بی‌نیاز کردن و کفایت ایشان از حلال کسب کردن از جمله جهاد است در راه دین، و از بسیاری عبادت فاضل‌تر است...» (غزالی، ۱۳۸۴: ۲۷۶). پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «عبادت ده جزو است، نه جزو از آن در طلب حلال است» (همان: ۳۱۲).

از آن جا که ادبیات جلوه‌گاه زندگی ماست و تمامی عناصرش به گونه‌ای با زندگی ما پیوند می‌خورد؛ از این رو مسائل اقتصادی و تلاش در این عرصه نیز بازتاب‌های گوناگون در حوزه‌ی ادبیات، خصوصاً ادبیات منشور پاریسی دارد. آنچه ما در این پژوهش در پی آنیم، این است که بتوانیم مفاهیم اقتصاد اسلامی را در کتاب «گلستان» و «کلیله و دمنه» بیابیم و با کیفیت و کمیت زندگی و چگونگی نگاهشان به مسئله‌ی مهم معیشت مردم زمان‌های گذشته آشنا شویم.

۱-۲- تعریف مسئله و فرضیه‌ها

موضوع این رساله نقد و بررسی اشارات معیشتی و اقتصاد اسلامی در کلیله و گلستان است. در این پژوهش سعی بر این است که مسائل مربوط به اقتصاد و مسائل معیشتی و وابسته‌های آن مورد کاوش قرار گیرد. انسان برای بقا و حیات خود احتیاج دارد به چیزهایی از قبیل غذا و لباس و مسکن که مسائل معاش نامیده می‌شوند. انسان به غیر از این امور نیز احتیاج دارد، از قبیل احتیاجات خانوادگی، یعنی زن و فرزند، احتیاجات فرهنگی، احتیاجات معنوی و دینی، احتیاجات سیاسی، یعنی حکومت و آنچه مربوط به شؤون حکومت است، و احتیاجات اجتماعی از قبیل قضاوت، در میان احتیاجات انسان، عالی‌ترین احتیاجات وی احتیاجات اقتصادی است، یعنی اموری که انسان در حیات و بقاء شخصی خود به آنها نیازمند است و بدون آنها قادر به ادامه حیات نیست. پس روابط اقتصادی هنگامی وجود پیدا می‌کند که میان افراد، روابط اجتماعی برقرار شود یعنی اشتراکات مساعی و تقسیم کار و وظیفه، وجود پیدا کند (مطهری، ۱۳۷۷ الف: ۳۰-۲۸).

چون دنیا منزلگاه زاد آخرت انسان است و آدمی را به قوت و کسوت حاجت است- و آن بی‌کسب ممکن نیست. باید که آداب کسب بشناسد؛ که هر که همگی خویش به کسب دنیا دهد بدبخت است و هر که همگی خویش به آخرت دهد و توکل کند نیکبخت است، ولکن معتدل‌ترین آن هست که هم به معاش مشغول باشد و هم به معاد، ولیکن باید که مقصود معاد باشد و معاش برای فراغت اسباب معاد باشد (غزالی، ۱۳۸۳: ۳۲۴).

رسول اکرم (ص) می‌فرماید: هر که از دنیا حلال طلب کند تا از خلق بی‌نیاز شود و یا با همسایه و خویشاوندان خویش نیکویی کند، روز قیامت می‌آید و روی وی چون ماه شب چهارده باشد. و هم چنین

می‌فرماید: تجارت کنید که روزی خلق از ده نه در تجارت است. یا می‌فرماید: هر که در سوال بر خویشتن گشاده کند، خدای - تعالی - هفتاد در درویشی بر وی گشاده کند (غزالی، ۱۳۸۲: ۳۲۵).

بدان که خویشتن را و عیال خود را از روی خلق بی‌نیاز کردن و کفایت ایشان از حلال کسب کردن از جمله جهاد است در راه دین و از بسیاری عبادت فاضل‌تر است. عیسی (ع) مردی را دید، گفت: تو چه کار کنی؟ گفت: «عبادت کنم» گفت: «قوت از کجا خوری؟» گفت: مرا برادری است، وی قوت من راست می‌دارد گفت «پس برادر تو از تو عابدتر است».

و لقمان حکیم فرزند خویش را وصیت کرد و گفت: دست از کسب به مدار که هر که درویش و حاجتمند خلق گردد دین وی تنگ شود و عقل وی ضعیف شود و مروت وی باطل شود و خلق به چشم حقارت به وی نگرند (غزالی، ۱۳۸۳: ۳۲۶-۳۲۵).

عمر گفت (رض) که «دست از کسب به مدارید و گویند خدای - تعالی - روزی دهد، که خدای - تعالی - از آسمان زر و سیم نفرستد (غزالی، ۱۳۸۳: ۳۲۵).

پس نتیجه می‌گیریم که انسان از جامعه شکل می‌گیرد و جامعه از اقتصاد؛ و اقتصاد هم ساخته روابط تولید و در نهایت ابزار تولید است شکل ابزار تولید جامعه را می‌سازد، و جامعه است که انسان را می‌سازد (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۱).

در این قسمت از متن برای روشن شدن مسئله اشارات مهم اقتصادی و معیشتی را که در گلستان و کلیله و دمنه به کار رفته تحت عناوینی به اختصار بیان می‌کنیم.

۱-۲-۱- عدالت اقتصادی

یکی از زمینه‌های رشد و ترقی انسان در زمینه اقتصاد، عدالت اقتصادی است که شرط آن درستی معاملات بود. بهترین اسباب روزی صنعتی است که بعد از اشتهال بر عدالت به عفت و مروت نزدیک باشد و از شره و طمع و ارتکاب فواحش و تعطیل افکندن در مهمات دوره (طوسی، ۱۳۷۳: ۳۱۳).

قرآن تصریح می‌کند که نظام هستی و آفرینش، در عدل و توازن و براساس استحقاق‌ها و قابلیت‌ها است. بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ. در جامعه‌ای که بیش از همه چیز سخن از عدل به میان می‌آید ریشه آن در نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی باید جستجو کنیم نه در جایگاه دیگر (مطهری، ۱۳۷۷ الف: ۳۸-۳۵). سعدی در گلستان در ضمن حکایتی عدالت انوشیروان را مثال می‌زند. آورده‌اند که انوشیروان عادل در شکارگاهی صیدی کباب کرده بود و نمک نبود. غلامی به روستا فرستاد تا نمک حاصل کند. گفت:

زینهار تا نمک به قیمت بستانی تا رسمی نگردد و دیه خراب نشود (سعدی، ۱۳۸۱: ۷۴).

ابوالمعالی ریشه عدالت اقتصادی را درآمد مشروع ذکر می‌کند و معتقد است هرکس اگر به دنبال درآمد از راه حلال باشد عدل در اقتصاد را رعایت کرده است و مالش پایدار می‌ماند. و مثال می‌زند که بازرگان حریص بی‌وراث که مال از وجه ربا و حرام گرد می‌کند ناگاه به قصد حاسدی سپری شود و وبال باقی ماند. خود را در رنج داشته است (منشی، ۱۳۸۱: ۳۸۱).

و نقطه مقابل عدالت اقتصادی، ظلم اقتصادی است که پایه اقتصاد را متزلزل می‌کند. غزالی این نکته را در کیمیای سعادت چنین بیان می‌کند که: و بعضی از سلف به دست وکیل خویش طعامی از بصره به واسطه فرستاد تا بفروشد. چون در رسید سخت ارزان بود یک هفته صبر کرد تا به اضعاف آن بفروخت و بنوشت که «چنین کردم» جواب باز نوشت که «ما قناعت کرده بودیم به سود اندک با سلامت دین، نبایستی که تو دین ما را عوض سود بسیار دادی» (غزالی، ۱۳۸۳: ۳۴۷-۳۴۶).

سعدی در گلستان همین مطلب را به طرز دیگری بیان می‌کند. درویشی را حکایت کنند که هیزم درویشان را خریدی به حیف و توانگران را دادی به طرح (سعدی، ۱۳۸۱: ۷۸).

۱-۲-۲- تولید

انسان با اکثر حیوانات تفاوت دارد. اغلب حیوانات معاش خود را از طبیعت به صورت آماده دریافت می‌کنند و خود قادر به تولید آنها نیستند، ولی انسان ملزم است به این که غالب وسائل معاش خود را با کار آماده کند و هم استعداد چنین کارهایی در او هست. یک سلسله روابط نیز خواه ناخواه در تولید میان افراد برقرار می‌شود؛ مانند رابطه‌ی مزد بگیری و فروش کار و مزرعه و غیره. پس قسمتی از روابط اقتصادی به وسیله‌ی تولید برقرار می‌شود (مطهری، ۱۳۷۷ الف: ۳۲).

نکته‌ی مهم و دقیقی که سعدی در گلستان در مورد تولید مد نظر قرار داده، آن است که وی بار تمام تولید و ایجاد ثروت را بر دوش رعیت نهاده است. وی در ضمن حکایتی چنین می‌گوید: «چون رعیت کم شد، ارتفاع [درآمد] ولایت نقصان پذیرفت و خزانه تهی ماند و دشمنان زور آوردند». یعنی پیامد فوری استبداد، مهاجرت، کمبود نیروی انسانی و در نهایت کاهش تولید و درآمد ملی است (سعدی، ۱۳۸۱: ۶۳).

۱-۲-۳- مشیت الهی در اقتصاد

رزق مقدر است و این مطلبی است که در روایات و معارف دینی بر آن تأکید شده و آمده است که حيله و زیرکی بر رزق نخواهد افزود و حرص و طمع بسیار ورزیدن جز گرفتاری بیشتر چیزی به بار نخواهد آورد (سروش، ۱۳۸۷: ۱۹۱).

«و يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (طلاق، آیه ۳).

سعدی نیز از جمله اشخاصی است که مشیت الهی را در رسیدن رزق و روزی مورد تأیید قرار می‌دهد و معتقد است که روزی از طرف خداوند مقدر است و به سعی و کوشش انسان بستگی ندارد و متذکر شده است که: «به نانهاده دست نرسد و نهاده هر کجا که هست برسد» (سعدی، ۱۳۸۱: ۱۸۳).

ابوالمعالی نیز معتقد است که انسان باید تلاش خود را در جهت اعمالی که او را جاودان سازد بکار برد نه مال اندک دنیوی، چرا که خداوند به همه روزی رسان است. عاقل باید که نهمت در کسب حطام فانی نبندد (منشی، ۱۳۸۱: ۲۰۷).

۱-۲-۴- رمز ماندگاری ثروت و دارایی

سعدی در گلستان رمز پایداری مال را تجارت می‌داند و معتقد است که تجارت باعث توسعه اقتصادی می‌شود. سه چیز پایدار نماند: مال بی تجارت و علم بی بحث و ملک بی سیاست (گلستان، ۱۳۸۱: ۱۷۰) اما ابوالمعالی رمز ماندگاری مال و دارایی را کسب حلال می‌داند. شاید این سخن وی متأثر باشد از فرموده پیامبر (ص) که: «طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» (غزالی، ۱۳۸۳: ۳۶۶).
قليلُ المالِ تُصْلِحُهُ فَيَبْقَى وَ لَا يَبْقَى الْكَثِيرُ مَعَ الْفَسَادِ (منشی، ۱۳۸۱: ۱۸۰).

۱-۲-۵- مبانی اعتقادی اسلامی در اقتصاد

۱-۲-۵-۱- قناعت: قناعت آن بود که نفس آسان فرا گیرد امور مآکل و مشارب و ملبس و غیر آن و رضا دهد به آن چه سد خلل کند از هر جنس که اتفاق افتد (طوسی، ۱۳۵۶: ۱۱۴).

بزرگان دین نیز آدمی را به سوی این فضیلت اخلاقی دعوت می‌کنند. از جمله حضرت علی (ع) در ضمن حدیثی می‌فرماید: «القناعة مالٌ لَا يَنْفَدُ (نهج البلاغه، ۱۳۷۰: ۱۱۱۳) این فضیلت را در حکم ثروتی زوال ناپذیر معرفی می‌نماید. سعدی قناعت را ستوده و معتقد است که «توانگری به قناعت به از توانگری به بضاعت» (سعدی، ۱۳۸۱: ۱۷۵).

ابوالمعالی نیز قانع بودن انسان را ستوده و آن را مایه عزّ و ارجمندی او معرفی کرده است.

عَزَّ الرَّجُلُ اسْتِعْنَارُهُ عَنِ النَّاسِ « (منشی، ۱۳۸۱: ۱۷۵)

۱-۲-۵-۲-انفاق: هرچه قابل بردن به آن جهان نیست قطعاً باری بر دوش و وزنه‌ای بر پای روح است مال از آن جمله است. مردم مال را برای ورثه‌ی خود باقی می‌گذارند اما تعلق خاطر به ثروت و حرص نسبت به مادیات را به عنوان یک بیگانه و ناخود به همراه خواهند برد و همین آن‌ها را گرانبار می‌کند به همین جهت برای مردم یکی از راه‌های رهایی از بار تعلقات بخصوص تعلقات مادی، انفاق است (سروش، ۱۳۸۷: ۲۲۶-۲۲۵).

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولُ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَ أَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ (منافقون، آیه ۱۰)

سعدی انفاق را لازم شمرده و می‌گوید یکی از علل جاودانه‌گی انسانی پس از مرگ ذکر نام خیر اوست که شخص می‌تواند این یاد خیر از خود را با انفاق به جا گذارد. «هرکه در زندگی نانش نخورید چون بمیرد نامش نبرند.» (سعدی، ۱۳۸۱: ۱۸۲).

ابوالمعالی نیز مالی را که در راه خیر صرف نشود نکوهش می‌کند و آن مال را ضایع‌ترین مال می‌داند. «ضایع‌تر مال‌ها آن است که از آن انتفاع نباشد و در وجه انفاق ننشیند.» (منشی، ۱۳۸۱: ۳۰۲).

۱-۲-۵-۳-اسراف و تبذیر

نکته قابل توجه در اسراف این است که ما باید بیش از آن که طالب رزق باشیم نگران اسراف نعمت‌های الهی باشیم (سروش، ۱۳۸۷: ۲۰۷).

خداوند در قرآن در مورد اسراف می‌فرماید: یا بنی‌ادم خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. « (اعراف، آیه ۳۱).

سعدی می‌گوید انسان باید برای دخل و خرج خود جایگاه و زمان‌بندی لازم را به کار گیرد و به فکر استفاده بهینه باشد.

ابلهی کو روز روشن شمع کافوری نهد.

زود باشد کش به شب روغن نبینی در چراغ

(سعدی، ۱۳۸۱: ۶۸)

ابوالمعالی در مورد حفظ و نگه داشت مال می گوید که: اهل رأی و تجربت باید به حقیقت شناسد که مکتسب خود را از دوستان و مال جز آن عزیز باید داشت و از موضع تزییع و اسراف بر حذر باید بود (منشی، ۱۳۸۱: ۲۵۸).

۱-۳- سوالات و فرضیه‌ها

- ۱- پایانه‌های توسعه اقتصادی از نظر سعدی چیست؟
- ۲- جایگاه اقتصاد در نزد مردم از نظر منشی؟
- ۳- نقش اسلام در اقتصاد مورد نظر سعدی و منشی کدام است؟

۱-۴- فرضیات پژوهش

فرضیه اول: سعدی در گلستان با لطف و مهارت تمام از اکثر قشرهای جامعه عصر خود سخن به میان آورده و از فراز و نشیب عالم و موارد نقص و فضائل آدمیان سخن گفته است. از دیدگاه سعدی توسعه اقتصادی از راه‌های بسیاری صورت می‌گیرد که از جمله آن‌ها تجارت کردن، تعادل در دخل و خرج، عدم سرمایه‌گذاری از راه نامشروع، عدالت در معامله، اما مهم‌ترین عامل از دیدگاه سعدی برای توسعه اقتصادی رعیت است، سعدی رعیت را یکی از مهم‌ترین عامل در ایجاد ثروت دوره خود ذکر می‌کند.

فرضیه دوم: صاحب کلیله برای جایگاه اقتصاد در نزد مردم حد اعتدال را قائل است. او معتقد است که مال و ثروت در زندگی روزمره انسان نقش به‌سزایی دارد اما نباید انسان آن را معیار زندگی خود قرار دهد بلکه باید در کسب آن حد اعتدال را در پیش گیرد و آن را وسیله‌ای برای رفع نیازهای دنیوی و کسب سعادت اخروی قرار دهد.

فرضیه سوم: با توجه به این که سعدی و منشی مسلمان هستند و جامعه آن‌ها یک جامعه مسلمانی است بنابراین اسلام در اقتصاد آن زمان نقش به‌سزایی داشته و به همین دلیل سرمایه‌گذاری‌هایی که از راه نامشروع بدست می‌رسید مورد نکوهش قرار می‌دادند و رمز ماندگاری مال و دارایی را کسب حلال و عدالت اقتصادی می‌دانسته‌اند و مسلمانان را از اسراف و تبذیر بر حذر می‌داشتند و به لزوم انفاق و بخشش تأکید فراوان داشتند و معتقد بودند که مال دنیوی از بهر خیر اخروی است.